

نقشهای زبان*

پیتر نیومارک
ترجمه عبدالمحمد دلخواه

به نظر من هر ترجمه، به نحوی غیرمستقیم، برپایه یک نظریهٔ زبانی قرار دارد. (یاکوبسون^۱، فرث^۲ و واندروسکا^۳ در این مورد نظری عکس نظر من ابراز کرده اند. به اعتقاد آنها نظریهٔ زبانی بر نظریهٔ ترجمه استوار است.) بدین ترتیب از بعضی جهات می توان گفت هر ترجمه مشقی در زبان شناسی کاربردی است. در این بخش به تبیین نظریهٔ نقشهای زبان که بوهرلر^۴ ارائه کرده می پردازم. یاکوبسون نیز این نظریه را به عنوان نظریه ای که در ترجمه بسیار کاربرد دارد پذیرفته و آن را بسط داده است.



بوهرلر معتقد است سه نقش اصلی زبان عبارتند از: نقش احساسی^۵، نقش اطلاع رسانی یا خبری^۶ - که وی آن را بازنمایی^۷ می نامد - و نقش ندایی^۸. به عبارت دیگر، از نظر بوهرلر زبان به یکی از سه منظور عمده فوق به کار می رود.

نقش احساسی

وقتی زبان برای بیان مکنونات ذهنی گوینده یا نویسنده به کار می رود نقشی احساسی پیدا می کند. در این موارد گوینده یا نویسنده در پی بیان احساسات خویش است بی آنکه منتظر پاسخی از سوی مخاطب خویش باشد. به نظر من اگر از دید ترجمه به انواع متون نگاه کنیم متونی که در آنها زبان نقش احساسی دارد عبارتند از:

۱ - متون ادبی. از چهارگونهٔ عمده ادبیات که عبارت است از شعر غنائی، قصه کوتاه، رمان و نمایشنامه، شعر غنائی شخصی ترین زبان را دارد در حالی که نمایشنامه به نحوی آشکار مخاطب دارد، پس در ترجمه نمایشنامه لازم است مفاهیم فرهنگی برای خواننده توضیح داده شود.

* این مقاله ترجمه فصل چهارم کتاب A Textbook of Translation Peter Newmark, 1988 است:

1- Jakobson

4- Bühler

7- Representation

2- Firth

5- The expressive function

8- The vocative function

3- Wandruszka

6- The informative function

۲- متون معتبر. این متون نوشته‌هایی در زمینه‌های مختلف هستند که اعتبار آنها به سبب اعتبار نویسنده و مرجعیت او در زمینه مورد نظر و نیز در کاربرد زبان است. این قبیل متون نشان نویسندگی را با خود دارند هرچند در این نوشته‌ها کلمات بیشتر در معنی صریح و اصلی خود به کار می‌رود تا در معنی ضمنی و مجازی. سخنرانی‌های سیاسی، اسناد و متون حقوقی، نوشته‌های علمی و فلسفی و دانشگاهی که صاحب‌نظران می‌نویسند از جمله چنین نوشته‌هایی است.

۳- مقالات و مکاتبات در زندگی نامه‌های شخصی. این قبیل نوشته‌ها وقتی حاصل غلیان احساسات نویسنده باشد و برای مخاطبی خاص نوشته نشده باشد دارای نقشی احساسی هستند. در ترجمه لازم است مترجم عناصر شخصی این نوع نوشته‌ها را تمیز بدهد. برخی از این عناصر شخصی عبارتند از ترکیبهای غیر معمول کلمات، استعاره‌های بدیع، واژه‌های ترجمه‌ناپذیر - بخصوص کلماتی توصیفی که ممکن است لازم باشد هریک از آنها به دو یا سه کلمه ترجمه شود - نحو غیر متعارف، واژه‌های جدید و کلمات ناآشنا (کلمات مهجور، اصطلاحات فنی غریب و کلمات متعلق به گویشهای خاص). مترجم باید همه این ویژگیها را که زبان خاص نویسندگی را می‌سازد از ویژگیهای عام زبان یعنی استعاره‌ها و اصطلاحات متداول، ترکیبهای معمول کلمات، نحو متعارف، اصطلاحات عامیانه و عبارات صحبت‌گشا بازشناسد. عناصر شخصی نوشته‌های احساسی بخشی از جنبه احساسی این نوشته‌ها را تشکیل می‌دهد و در ترجمه ویژگیهای غیر شخصی آنها باید حفظ شود.

نقش اطلاع‌رسانی

وقتی زبان برای توصیف عالم خارج از ذهن، حقایق علوم و واقعیات خارج از زبان مانند نظریه‌ها و عقاید ابراز شده به کار می‌رود نقش اطلاع‌رسانی یا خبری پیدا می‌کند. نوشته‌هایی که در آنها زبان نقش خبری دارد درباره موضوع بخصوصی نیست بلکه همه موضوعات علوم را دربر می‌گیرد. البته نوشته‌هایی که درباره موضوعات ادبی است از آنجا که مبتنی بر داوری شخصی است بیشتر در دسته نوشته‌های احساسی قرار می‌گیرند. نوشته‌های خبری، نظیر کتابهای درسی، گزارشهای فنی، مقاله‌های روزنامه‌ها، مقاله‌های علمی، رساله‌ها، گزارشها و دستور جلسه‌ها غالباً شکل ثابت و معینی دارند. در این نوشته‌ها معمولاً زبانی روزآمد، معیار، غیر شخصی و غیر گروهی به کار گرفته می‌شود. سبک این نوشته‌ها را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: ۱- سبک رسمی، فنی و غیر احساسی که خاص رساله‌های دانشگاهی است و، در انگلیسی، با وجه مجهول، زمانهای حال و ماضی نقلی، بیان غیر استعاره‌ای، کلمات لاتینی، واژه‌های تخصصی و ترکیبات متشکل از چند اسم شناخته می‌شود. ۲- سبک غیر رسمی و خنثی که مشخصه آن ضمیر اول شخص جمع، زمان حال، وجه معلوم افعال و استعاره‌های متداول است. (در کتابهای درسی که چنین سبکی در آنها به کار می‌رود واژه‌های تخصصی تعریف می‌شوند). ۳- سبک غیر رسمی و خودمانی که در کتابهای عامه‌پسند هنری و علمی به کار می‌رود. این سبک با ساختهای دستوری ساده، استعاره‌های رایج، الفاظ ساده و واژگان

متنوع که برای ارائه تعاریف و مثالهای متعدد به کار می رود مشخص می شود. ۴- سبک خودمانی، غیرفنی و با روح که در متون مطبوعاتی رایج است. از ویژگیهای این سبک عبارت است از استعاره های غیرعادی، جملات کوتاه، نقطه گذاری غیرمرسوم، وجود صفات پیش از اسامی خاص، و بیان محاوره ای. (چنانکه ملاحظه می کنید استعاره ها به مثابه معیاری میزان رسمی بودن متن را تعیین می کنند). بنابر تجربه من زبان انگلیسی در مقایسه با سایر زبانها می تواند تنوع سبکی بیشتری را بپذیرد زیرا واژگان این زبان از چندین گروه زبانی (ساکسون، نورس، فرانسه، و زبانهای کلاسیک) لفظ به عاریه گرفته و با بسیاری از زبانهای بیگانه اختلاط یافته است. از طرف دیگر چون زبان انگلیسی به نقاط مختلف جهان «انتقال» یافته، امروزه به صورت اصلی ترین ناقل تکنولوژی درآمده است و بجز در دوره کوتاهی در قرن هیجدهم کمتر از جانب مقامات رسمی و حکومتها در رشد و توسعه آن مزاحمتی ایجاد شده است.

با این حال باید همواره به دو نکته توجه داشت: اولاً متون خبری قسمت اعظم کار مترجمان سازمانهای بین المللی، شرکتهای چندملیتی و خصوصی و دارالترجمه ها را تشکیل می دهد. ثانیاً اکثر این متون جمله بندی ضعیفی دارد و خطاهایی نیز در آن راه می یابد و معمولاً اصلاح اشکالات علمی و ضعفهای نگارشی آن به عهده مترجم است. از این روی، برخلاف نظریه های قدیمی مخالف ترجمه، از جمله نظریه ای که می گوید ترجمه امری غیرممکن است، امروزه ترجمه این گونه متون اغلب بهتر از اصل است یا لااقل باید چنین باشد.

نقش ندایی

وقتی زبان خواننده یا مخاطب می یابد نقش ندایی پیدا می کند. این نقش را از آن جهت ندایی می نامیم که مخاطب را به عمل کردن، اندیشیدن یا احساس کردن دعوت می کند و از او می خواهد آن گونه که منظور نویسنده است واکنشی از خود نشان دهد. به این نقش نامهای دیگری هم داده شده که از آن جمله است: ارادی conative (دال بر تلاش)؛ ابزاری instrumental؛ کاربردی operative؛ و عمل گرایانه pragmatic (عمل گرایانه به این معنی که مقصود نویسنده این است که در مخاطب تأثیر بگذارد.) نباید از نظر دور داشت که امروزه متنهاى ندایی عموماً طیفی از خوانندگان را مخاطب قرار می دهند نه گروهی خاص از خوانندگان را. بدین ترتیب به نظر من نوشته هایی مانند اطلاعیه، دستور عمل، تبلیغ، نوشته اقناعی (اعم از درخواست، عریضه و رساله) و حتی داستانهای تخیلی عوام پسند که با نیت سرگرم کردن خواننده منتشر می شوند از جمله نوشته هایی هستند که زبان در آنها نقش ندایی دارد.

رابطه بین نویسنده و مخاطب نخستین عامل تمایز میان متون ندایی است. این رابطه با روابط دستوری یا شیوه هایی خطابي گوناگون (مثلاً نویسنده خواننده را به لفظ تو یا شما خطاب می کند) که مرتبه اجتماعی یا موضع شخصی گوینده را در برابر مخاطب تعیین می کند، شناخته می شود. همچنین کاربرد مصدر، جملات امری، شرطی، اخباری، مجهول، نام کوچک یا نام خانوادگی، عنوان و القاب، نامهای مصغر و خودمانی و عبارات تأکیدی مثل «لطفاً» و «اگر ممکن است»، در تعیین روابط همپایگی و ناهمپایگی و روابط تساوی یا برتری میان گوینده و

مخاطب و نیز در تعیین وجه امری، درخواستی یا ترغیبی جمله نقش مهمی دارند.

دومین عامل تمایز میان این نوع متون این است که این متون به زبانی نوشته می‌شوند که به سهولت برای خواننده قابل فهم هستند. به این دلیل باید قبل از ترجمه مترجم سطح زبانی و فرهنگی متن را دقیقاً مشخص کند. کمتر متنی وجود دارد که نقش زبان در آن صرفاً احساسی یا خبری یا ندایی باشد. در بیشتر نوشته‌ها زبان در همه این نقشها به کار رفته است، لیکن در هر کدام تأکید روی یکی از نقشهاست. البته نقش احساسی زبان در متنهای خبری یا ندایی جای ندارد و اکثر متنهای خبری رشته‌ای ندایی در خود دارند که در طول متن امتداد یافته است. برعهده مترجم است که این رشته را از متن بیرون بکشد. گاه نیز نقش ندایی به بخشی از متن که شامل توصیه یا عقیده نویسنده یا داوری ارزشی اوست محدود می‌شود. بندرت پیش می‌آید که نقش زبان در متنی صرفاً خبری باشد یعنی نویسنده نظر شخصی خود را در متن ابراز نکرده باشد! هر متن احساسی معمولاً اطلاعاتی به خواننده منتقل می‌کند و شدت ندایی بودن نقش زبان در آن متفاوت است و این موضوع بحث و مناقشه میان منتقدان و مترجمان است. شدت ندایی بودن نقش زبان در متنی احساسی تا حدی به نسبت میان عناصر فرهنگی و جهانی موجود در متن بستگی دارد. صفات احساسی، خبری و ندایی صرفاً از آن جهت به نقشهای زبانی اطلاق می‌شوند که نقش غالب زبان در متن را مشخص می‌کنند.

تا اینجا به سه نقش عمده زبان از دیدگاه بوهلر اشاره کردم. اکنون سه نقش دیگر زبان را که یاکوبسون از آن نام می‌برد از نظر می‌گذرانیم. این سه نقش عبارتند از: نقش زیبایی شناختی^۹، نقش صحبت گشایی^{۱۰} و نقش فرازبانی^{۱۱}.

نقش زیبایی شناختی

در اینجا هدف از به کار بردن زبان ایجاد حس زیبایی شناختی نخست از طریق آوای طبیعی زبان یا تأثیرات آوایی مصنوع و سپس از طریق استعاره است. وزن، موازنه، تقابل جملات، جمله‌واره‌ها و واژه‌ها نیز به نوبه خود در ایجاد این حس موثرند. از جمله تأثیرات آوایی عبارتند از: تسمیه صوتی، تجانس آوایی، قافیه، آهنگ و تکیه. برخی از این تأثیرات آوایی در بیشتر انواع متون نیز دیده می‌شوند و در شعر، بویژه شعر بی‌معنا^{۱۲}، شعر کودک، و برخی از تبلیغات تجاری تلویزیون نقش اساسی دارند. در بسیاری از موارد حفظ تأثیرات آوایی در ترجمه امکان‌پذیر نیست مگر اینکه مترجم واحد ترجمه را فراتر از کلمه بگیرد. در این موارد آنچه در جریان انتقال از دست می‌رود باید ضرورتاً به شکل دیگری در ترجمه جبران شود. در ترجمه متن احساسی، بخصوص شعر، اغلب میان نقش احساسی و نقش زیبایی شناختی (یعنی میان حقیقت و زیبایی) و در نتیجه میان ترجمه تحت‌اللفظی اما زشت و ترجمه آزاد ولی زیبا تقابل پیش می‌آید.

9- The aesthetic function

10- The phatic function

11- The metalingual function

12- nonsense poetry

افعالی که توصیف گر حرکت و کنش هستند، مانند «شتاب کردن»، «بورش بردن»، «پاشیدن»، «من من کردن»، «نفس نفس زدن» و «غرغر کردن»، تأثیرات آوایی مطلوب ایجاد می کنند و در عین حال برگرداندن آنها چندان مشکل نیست مگر اینکه در زبان مقصد معادل نداشته باشند. بدیهی است خلأ واژگانی پدیده ای عام و رایج در همه زبانهاست.

در اشعار بی معنی، مثل «هاچین و واچین، یه پاتو ورچین» یا «اتل مثل توتوله...»، آنچه اهمیت دارد تأثیرات آوایی است. در شعر کودک و ادبیات متعلق به مکتب هنر برای هنر زیبایی آوایی بر حقیقت مقدم است. در دیگر انواع نوشته ها، نقش احساسی بر نقش زیبایی شناختی اولویت دارد. با این حال، اگر ترجمه فاقد زیبایی آوایی باشد، مقصود نویسنده در ترجمه پوشیده می ماند و غرض از ترجمه حاصل نمی شود.

استعاره حلقه ارتباط میان نقش احساسی و نقش زیبایی شناختی است. به علاوه استعاره از طریق صور خیال تنها رابط میان زبان با چهار حس از پنج حس ماست. استعاره با استفاده از نشانه های حواس بویایی (گل و ماهی) چشایی (غذا) لامسه (پوست خز، پوست بدن انسان)، بینایی (تمام ایماژها) و نیز شنوایی (نغمه پرندگان، صدای زنگ) قادر است از طریق زبان، واقعیت برون زبانی را به جهان ذهن مرتبط سازد. از این رو استعاره بدیع که ابزار بیان احساسی و زیبایی شناختی است باید عیناً در ترجمه بازآفرینی شود.

چهار نقش زبانی که تاکنون مورد بحث ما بود ممکن است هریک تمامی نوشته ای را در بر بگیرد، اما دو نقش صحبت گشایی و فرازبانی معمولاً تنها بخشی از متن را شامل می شوند.

نقش صحبت گشایی

زبان گاه نه برای انتقال خبر یا اطلاعات به مخاطب بلکه برای ایجاد رابطه دوستانه با مخاطب به کار می رود. در این موارد زبان نقش صحبت گشایی پیدا می کند. این نقش جدا از لحن صدا از طریق عبارات خاص و متداول و جملات کلیشه ای به اصطلاح صحبت گشا تحقق می یابد. برای مثال در گفتگوهای روزمره جملاتی نظیر «حالتان چطور؟»، «می دونی که»، «تعطیلات خوش بگذره»، «فردا می بینمت»، «از دیدنت خوشحال شدم»، «عید خوش گذشت؟» و یا جملاتی درباره هوا مثل «چه هوای گندیه!» یا «امروز عجب گرمه» جملات صحبت گشا به شمار می آیند.

برخی از جملات صحبت گشا جملاتی هستند که در همه زبانها به کار می روند، برخی دیگر (مثل جملات حاوی اظهار نظر درباره هوا) ویژه فرهنگی خاص هستند و نباید آنها را تحت اللفظی ترجمه کرد بلکه باید معادل آنها عباراتی به کار برد که در فرهنگ مقصد مصطلح است. در نوشتار، عبارات صحبت گشا برای جلب اعتماد و باور خواننده به کار می رود. نمونه هایی از این نوع عبارات به قرار زیرند: «البته»، «طبعاً»، «مسئلاً»، «یقیناً»، «جالب است بدانید که»، «لازم به یادآوری است که»، و گاه برای خوش آمد خواننده، «چنانکه مستحضر هستید» و نیز عبارات اصطلاحاتی در اول و آخر نامه های اداری به کار می بریم. تنها مشکلی که در ترجمه عبارات صحبت گشا به نظر می رسد این است که مترجم باید تصمیم بگیرد که آیا در ترجمه پرگویی یا

رنگ و بوی تملق را از این عبارات بزداید یا اینکه با ترجمه اضافی^{۱۳} آنها را شدت ببخشید.

نقش فرازبانی

آخرین نقش زبان نقش فرازبانی است که توانایی یک زبان در صحبت کردن درباره آن زبان و نیز نامگذاری و نقد عناصر متعلق به آن زبان را نشان می‌دهد. اگر این عناصر (مثلاً جمله، دستور، فعل) عناصری همگانی یعنی مشترک میان زبانها باشند، مشکلی در ترجمه آنها وجود ندارد. اما اگر این عناصر (مثلاً ablative حالت مفعول عنه و optative وجه تمنایی) منحصر به زبانی خاص باشند، باید آنها را باتوجه به عوامل بافتی ذیربط (مثل سطح دانش مخاطب، اهمیت اصطلاح در زبان مبدأ، بسامد کاربرد اصطلاح در زبان مقصد) ترجمه کرد. در ترجمه این عناصر مترجم می‌تواند روشهای متفاوتی، از توضیح مفصل و ذکر مثال و ترجمه آن عنصر گرفته تا ساختن یک اصطلاح ثالث خنثی از نظر بار فرهنگی، به کار بگیرد. در ترجمه عباراتی از زبان مقصد که جنبه‌های فرازبانی زبان را بیان می‌کنند لازم است مترجم جانب احتیاط را رعایت کند زیرا ترجمه لفظ به لفظ این گونه عبارات گاه مقصود نویسنده را به درستی نمی‌رساند. نمونه‌هایی از این عبارات در ذیل آورده شده:

strictly speaking	اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم
in the true sense of the word	به معنی واقعی کلمه
literally	تحت اللفظی
so-called	به اصطلاح
so to speak	به اصطلاح
by definition	بنا بر تعریف
can also mean	نیز می‌تواند به معنی ... باشد

من در اینجا نظریه نقشهای زبان کوهلر - یاکوبسون را به عنوان مناسب‌ترین ابزار برای بررسی انواع متون از دیدگاه مترجم برگزیدم و آن را با کمی تعدیل تبیین کردم. البته تقسیم‌بندی انواع متون به سه نوع کلی ادبی، سازمانی^{۱۴} و علمی نیز خالی از فایده نیست. متون علمی نوشته‌های تمامی رشته‌های علوم و فنون را دربر می‌گیرد لیکن در زمینه علوم اجتماعی به متون سازمانی شبیه می‌شود. متون ادبی از این لحاظ از دو نوع دیگر متن متمایز می‌شود که در آنها معانی تخیلی و ذهنی بر معانی واقعی غلبه دارد. □